موضوع: بررسی مبانی معرفت شناسی در اجتهاد علم کلام

رابطه معرفت شناسی با منطق

سخن در بررسی ارتباط علم معرفت شناسی و علوم دیگر بود. درباره شباهت و تفاوت این علم با علم منطق گفته شد موضوع علم منطق، علم خاص یعنی علم موصله است اما موضوع علم معرفت شناسی، مطلق علم است.

از جهت غایت نیز معرفت شناسی با علم منطق متفاوت است. غایت علم منطق مصون نگاه داشتن ذهن از خطا و اشتباه است، اما غایت معرفت شناسی عمدتا کشف ارزش معرفت است. اینکه آیا ادراکات ذهنی ما کاشفیت از واقع دارند یا نه و اگر دارند محدوده و قلمرو آن چه مقدار است؟ از باب مثال گاه انسان سرمایه ای دارد و می خواهد آن را به جریان انداخته تا به سود و ثروت دست یابد. یک وقت به دنبال آن است تا راه و روش کسب درآمد و قوانین آن را بشناسد. (در اینجا گاه مشروعیت کسب ثروت را مفروغ عنه گرفته است و گاه نسبت به آن لابشرط است). گونه دیگر این است که می خواهد ببیند آیا اصلا سرمایه گذاری و کسب سود و ثروت مشروعیت دارد یا ندارد؟ اگر دارد محدوده و گستره آن کجاست؟ گونه اول همانند غایت علم منطق و گونه دوم همانند غایت معرفت شناسی است.

در علم منطق نسبت به ارزش معلومات دو نظر می تواند بیان شد: یکی اینکه عالم منطق، ارزش معرفت را از اول مفروغ عنه گرفته است. دیگر اینکه او کاری به ارزش داری یا نداری معرفت ندارد و نسبت به این مورد لابشرط است. به نظر می آید گزینه اول درست است، زیرا پیش فرض عالمانی که علم منطق را پایه ریزی کرده اند این بوده که ما ادراکات مطابق با واقع داریم و می خواهیم راه و روش کسب آن را بدست آوریم.

[می توان گفت در معرفت شناسی در صدد کشف معرفت هستیم به اینکه آیا اساسا معرفتی داریم یا نه؟ و آیا آن معرفت واقعیت دارد یا نه؟ ارزش و اعتبار آن چه مقدار است؟ همانند کسانی که درصدد کشف معدن هستند که آیا در این منطقه معدنی وجود دارد یا نه ؟ اگر هست آن معدن چیست و ارزش آن چقدر است؟ در علم منطق به دنبال راه و روش دستیابی به معرفت هستیم. مانند اینکه بعد از کشف معدن، راه و روش استخراج آن بیان می شود].

تا اینجا روشن شد که موضوع علم منطق و موضوع علم معرفت شناسی با هم فرق می کند. غایت آنها نیز متفاوت است، اما روش آنها که همان روش عقلی است یکسان است .

علم معرفت شناسی و علم منطق از جهت مسائل

در منطق یک سری مسائل ویژه وجود دارد که مختص خود آن است، مانند بیان اقسام معرف و حجت شناسی؛ اینکه استدلال به دو گونه استدلال مباشری (بی واسطه) و استدلال غیر مباشری تقیسم می شود. استدلال بی واسطه استدلالی است که با تک قضیه به مطلب جدید می رسیم، مانند عکس، قاعده نقض. مثال: «اگر هر انسانی حیوان است، پس بعضی از انسان ها قطعا حیوان هستند». و یا « اگر هیچ درختی سنگ نیست، قطعا هیچ سنگی هم درخت نیست».

استدلال با واسطه سه گونه است: استدلال از کلی به کلی (قیاس)، استدلال از جزئی به کلی (استقراء) و استدلال از جزئی به جزئی (تمثیل). در بحث ماده معرفت نیز صحبت از صناعات خمس است.

در معرفت نشناسی نیز یک سری مسائل اختصاصی بیان شده است مانند: ابزار معرفت، ملاک و معیار معرفت و ... . اما بعضی از مسائل این دو علم نیز با هم مشترک هستند، مانند اینکه علم چیست و اقسام آن کدام است؟ البته سر و کار منطق با علم حصولی است اما سرو کار معرفت شناسی علاوه بر علم حصولی با علم حضوری هم هست.

رابطه معرفت شناسی و فلسفه

فلسفه اولی از نظر موضوع و هدف با معرفت‌شناسی تفاوت دارد، زیرا موضوع فلسفه اولی، هستی به صورت مطلق است (اعم از ذهنی و خارجی، مجرد و مادی و ...) در حالی که موضوع معرفت شناسی، علم (وجود ذهنی) است. هدف فلسفه اولی، بازشناسی امور واقعی و حقیقی از امور پنداری و شناخت تقسیمات اولیه، احکام کلی و علل عالیه هستی است، ولی هدف معرفت شناسی، شناخت احکام و قوانین مربوط به وجود ذهنی است.

با این حال، در فلسفه، به منسبت‌های مختلف درباره علم و معرفت بحثهایی مطرح شده است که بسیاری از آنها صبغه یا کار کرد معرفت شناختی دارد که بحث درباره وجود ذهنی و معقولات اولیه و ثانویه از مهم ترین آنهاست. در بحث‌های قبل (معرفت شناسی در فلسفه اسلامی) توضیحات کافی در این باره بیان گردید.

رابطه معرفت شناسی و فلسفه علم

فلسفه علمی پژوهش فلسفی درباره چیستی، مبانی، و راه و روش هریک از علوم بشری است. بحث درباره موضوع، غایت و روش یک علم، مبانی، مسائل و تحولات تاریخی، ترابط آن با علوم دیگر و عوامل اجتماعی مؤثر در آن علم، مسائل و مباحث فلسفه علم را تشکیل می‌دهد. برخی از این مسائل، با مسائل معرفت شناسی، مرتبط یا مشترک است، ولی تفاوت این دو علم، اولا: در موضوع آن دو است، زیرا موضوع معرفت شناسی، علم به معنای صفت نفس انسان و پدیده‌ای ذهنی است، در حالی که موضوع علم فلسفه علم، علم به معنای رشته -‌ای علمی است که عبارت است از مجموعه‌ای از مسائل دارای محور و جهت واحد (موضوع یا غایت). ثانيا: برخی از مسائل فلسفه علم مانند مبانی و عوامل اجتماعی مؤثر در یک رشته علمی و تحولات تاریخی و ترابط آن با علوم دیگر، از مسائل و مباحث معرفت‌شناسی به شمار نمی رود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد